

## حیدر علی خان بنیانگذار سلطنت در جنوب هند

محمدحسن رجبی

«حیدرعلی خان»، بنیانگذار سلطنت در جنوب هند، قریشی النسب و شیعه مذهب بود. خاندانش در قرن دهم هجری قمری / شانزدهم میلادی، از مکه معظمه هجرت کرده، به هندوستان وارد شدند. حیدرعلی در سال ۱۷۲۲ م در روستای کوچکی به نام «بودی کوتله» بخش کولار متولد شد. پدرش «شیخ فتح» از منصبداران استان «صوبه سرا» و مادرش «مجیده بیگم»، دختر زمیندار آنجا «اکبرعلی خان» بود. حیدرعلی پنج ساله بود که پدرش در یکی از جنگها کشته شد و تمام اثاثیه منزل وی به تاراج رفت. پرورش حیدرعلی که یتیم مانده بود، به دست عموزاده اش بنام «حیدر صاحب» انجام شد که در ارتش میسور صاحب مقام بود. از این رو، او را با فن سپاهیگری آشنا و ماهر ساخت.

وی، نخست به ملازمت «عبدالوهاب»، برادر «نواب محمدعلی والajah»، والی «کرناتک» درآمد. در آن زمان راجه میسور، فقط یک حاکم عروسکی و دست نشانده بود و تمام اختیارات در دست وزیر و پدرهمسرش، «نندراج» بود. او به سفارش حیدر صاحب، در «سرننگ پتن» (سرینگپتم)، فرماندهی یک دسته کوچک ارتشی را به حیدرعلی سپرد. حیدرعلی در داخل ایالت میسور برای سرکوبی شورش ها و در جنگ های کرناتک، چنان شجاعتی به خرج داد و صلاحیت و استعداد جنگی از خود نشان داد، که نندراج او را به عنوان استاندار ایالت «دندیگل» منصوب کرد (۱۷۴۲ م).

در زمانی که ارتشهای میسور درگیر جنگ کرناتک بودند، «بالاچی باجی راثو»، پیشوای «مراثه»، به میسور یورش برد. راجه، با پرداخت ده میلیون روپیه، بیشتر بخش ایالت خود را به عنوان ضمانت، به کفالت مراثه داد. هنگامی که پس از چندی

نتوانست غرامت را بپردازد، مراته شروع به قبضه کردن منظم آن نواحی کردند (۱۷۵۵ م). حیدرعلی، با جمع کردن رقم مطلوبه از اطراف کشور، آن را به راجه پیشکش نمود و او بسیار خشنود و خوشحال شد و لقب «فتح حیدربهادر» را به او اعطا کرد. همچنین، او را فرمانده کل نظامی تعیین کرد و برای انجام هرگونه معامله با مراته، او را تام الاختیار کرد، اما حیدرعلی، جنگ را به جای صلح ترجیح داد، که در نتیجه آن، ارتش مراته فرار کرد.

در سال ۱۱۶۹ هـ / ۱۷۵۹ - ۱۷۵۸ م، نندراج از سیاست کناره گرفت. راجه میسور به سفارش حیدرعلی، «کهندی راثو برهمن» را مقام صدراعظمی داد. در همان زمان حیدرعلی به «بسالت جنگ»، برادر «نظام دکن»، علیه مراته، کمک نظامی داد و او قلعه «هوسکوته» را فتح کرد. در مقابل این خدمات، به سفارش «بسالت جنگ»، امپراتور دهلی فرمان استانداری «صوبه سرا» را برای حیدرعلی، صادر کرد.

در اوت ۱۷۶۰ م کهندی راثو با سازش با راجه، تلاش کرد که حیدرعلی را از آنجا بیرون کند اما حیدرعلی او را شکست داد و «سرنگ پتن» را به تصرف خود درآورد و کهندی راثو را بازداشت کرده، در قفسی محبوس نمود. از سوی دیگر، هزینه ها و مخارج شخصی راجه را تأمین نمود و تمام اختیارات حکومت و ایالت را به دست خود گرفت.

پس از آن، به توسعه سرزمین خود متوجه شد و با فتح ایالت‌های «فندی»، «تدنور» و «منگور»، «گوا» را مورد هجوم قرارداد و پرتقالیها با دادن منطقه «کاروار»، جان خود را نجات دادند. در همان زمان، حیدرعلی یک کشتی جنگی آماده کرد و «علی راجه» را امیرالبحر (فرمانده نیروی دریایی) تعیین نمود که جزیره «مالدیپ» را تصرف کند. اما چون وی راجه مالدیپ را کور کرد، حیدرعلی او را برکنار نمود. لذا «ناظره» ها علیه او شورش کردند. حیدرعلی با شکست دادن آنان، تابندر «کالی کت» رسید و پس از فتح کالی کت، «راجاکوچین» نیز اطاعت او را قبول کرد. در سال ۱۷۶۳ م مراته دوباره به میسور حمله آوردند و بدنور را متصرف شدند. اما وقتی که خبر آمدن حیدرعلی را شنیدند، عقب نشستند.

از ترس گسترش فتوحات حیدرعلی، انگلیسیها با نظام حیدرآباد و مراته متحد شدند. محمدعلی والajah، والی کرناٹک، پیش از آن سروری انگلیسیها را پذیرفته بود،

لذا ارتش متحده آنان بدون هر علتی، بر میسور حمله بردند. این حمله را نخستین جنگ میسور (۱۷۶۹م - ۱۷۶۷م) می نامند.

انگلیسیها، از یک سو در سواحل میسور قشون خود را پیاده کردند، و از سوی دیگر پیشقدمی کرده، «بالاگهات»، را (جایی که محمدعلی، کولار را مرکز فعالیت ساخته و محل تولد حیدرعلی بود) به تصرف خویش در آوردند. پسر بزرگ حیدرعلی، یعنی «تیپوسلطان»، منگلو را محاصره کرد و پس از چند روز حیدرعلی نیز به آنجا رسید. حمله آنان چنان شدید بود که ارتش انگلیسیها، همه ساز و برگ نظامی خود را رها کرده، در کشتی سوار شده به «بمبئی» برگشتند.

پس از آن، حیدرعلی به جبهه شرقی متوجه گردید. او نه فقط ژنرال «اسمیت» را شکست داد و قلعه های «نرسی پور» و «هوس کوه» را دوباره از او پس گرفت، بلکه برنامه زدن شیخون در جاهای مختلف را چنان ترتیب داد که نخست نظام حیدرآباد و سپس مراتهه، هر دو با حیدرعلی صلح کرده، از جنگ دست کشیدند. حیدرعلی با فتح مناطق محمدعلی والاجاه، در «پائین کهات» شروع به خراب کردن کشورش کرد. فرمانده نظامی جدید انگلیسیها، «کلنل اود» به سوی منگلو پیش رفت ولی حیدرعلی او را شکست داد اسلحه سنگین و توپهای بزرگ او را به غنیمت گرفت. آنگاه سروان «نیسکون» را نیز شکست داده «ابرو» را نیز فتح نمود و همه افسران انگلیسی را همراه با ارتش آنها اسیر کرده، به «سرنگ پتن» فرستاد. از سوی دیگر تیپوسلطان، پیشرفت نمود و تا قلعه «سنت جورج» رسید و «مدرس» را گلوله باران نمود. سرانجام در سال ۱۷۶۹م انگلیسیها مجبور شدند به شرایط حیدرعلی خان تن داده و آشتی کنند و قرار شد

۱. طرفین در آینده به یکدیگر کمک کنند.
  ۲. مناطق مفتوحه و اسیران را مبادله کنند.
  ۳. منطقه کرور که در مالکیت محمدعلی بود، در تسلط حیدرعلی باقی بماند.
- قابل ذکر است که حیدرعلی، کمپانی هند شرقی را به عنوان طرف قرارداد نپذیرفت، بلکه این معاهده میان حیدرعلی و پادشاه انگلستان امضا شد.
- در سال ۱۷۷۰م «مادهوراو» پیشوای مراتهه، دوباره به میسور یورش برد. حیدرعلی طبق قرارداد، از انگلیسیها کمک خواست؛ اما آنان از دادن کمک نظامی خودداری کردند. لذا حیدرعلی مجبور شد به تنهایی با ارتش های بزرگ مراتهه مقابله

حیدرعلی خان بیناگلدار سلطنت در جنوب هند

کند. یورش مرااتَهه چنان بزرگ و شدید بود که تمام بخشهای شرقی و شمالی میسور را به تصرف خویش درآوردند. حیدرعلی، هنگام عقب نشینی، همهٔ کشور را به ویرانه تبدیل کرد تا ارتش مهاجم نتواند مواد غذایی به دست آورد. علاوه بر آن، در هر جایی که فرصت یافت، ارتش مهاجم را مورد شیبخون قرار داد. در این جنگها به هر دو طرف زیانهای بسیاری وارد شد. در ۱۷۷۲ م، پیشوای مرااتَهه مُرد، و برای جانشینی او، کشمکش و نزاع شروع شد. لذا فرمانده نظامی مرااتَهه با حیدرعلی صلح کرد. پس از مراجعت مرااتَهه، حیدرعلی برای جبران زیانهای گذشته، سلسلهٔ جدیدی از فتوحات خود را آغاز کرد:

در ۱۷۷۲ م «کورگ»، در ۱۷۷۳ م «ملیبار» و «کوچین» و «نیلگری»، در ۱۷۷۴ م «بلاری» و «گتی»، در ۱۷۷۵ م «بادامی»، «دهاروار» و «چتلدرگ» و در ۱۷۷۹ «کدیه» را گشود و در هند جنوبی یک شور مستحکم و بزرگی به وجود آورد.

در ۱۷۸۰ م، جنگ دوم میسور شروع شد. انگلیسیها در مقابل حملات مرااتَهه به حیدرعلی کمک نکردند و قرارداد مدرّس را زیر پا گذاشتند. لذا حیدرعلی دوباره به فرانسویها نزدیک شد. در همین زمان در اروپا، میان انگلیسیها و فرانسویها جنگ شروع شد. انگلیسیها، «پاندی چری» را فتح کرده، دومین بندر ماهیگیری را به تصرف خود درآوردند.

قلمرو حیدرعلی در ملیبار قرارداد داشت. وی با قدرت و توان هر چه تمامتر کرناتک را مور حمله قرارداد و «آرنی»، «ترو نور»، «کاویری پتن» و «بندر محمود» و غیره را فتح کرد. در ۱۷۸۱ م، در جنگ معروف «پولی پور»، ارتش انگلیس را شکست فاحش داد و سپهسالار آن یعنی «کنل بیلی» را همراه حدود دو هزار نفر نظامی اسیر کرد. آنگاه به پیشروی ادامه داد و قلعه های محکم «ویلوروارکات» را از انگلیسیها گرفت. هیتی از انگلیسیها با درخواست و پیشنهاد صلح، نزد حیدرعلی آمد که او با این پاسخ که: «من گمان می کنم این هیئت، از هر گونه صفات صلح به دور است» آنان را بازگرداند.

فرماندار کل انگلیسی «وارن هیستینگز»، دریافت که به جز چند منطقهٔ ساحلی، همه کرناتک تحت تسلط حیدرعلی است و به تدریج همه منطقهٔ مدرّس را از دست خواهند داد؛ از این رو ژنرال «آثرکوت» را به عنوان فرمانده نظامی، روانهٔ مدرّس کرد. وی در آغاز کار، کمی موفقیت به دست آورد؛ اما پس از چند روز مُرد (۱۷۸۱ م). از

سوی دیگر حیدرعلی از کمک کامل ناوگان جنگی فرانسوی برخوردار شد. در ناحیه «کولور» جنگ شدیدی در گرفت و انگلیسیها به طور کامل شکست خوردند و به دنبال آن قلعه «آرنی» نیز به دست حیدرعلی افتاد.

درست در زمانی که انگلیسیها، وضع بسیار ناهنجار و نامطلوبی داشتند، و نزدیک بود از هند جنوبی خارج شوند، (۶ دسامبر ۱۷۸۲م)، حیدرعلی در نزدیکی «ارکات» درگذشت.

پس از مرگ حیدرعلی فرزند و جانشین وی «تیپوسلطان»، تا دو سال جنگ را با موفقیت ادامه داد؛ ولی سرانجام در سال ۱۷۸۴م با «صلحنامه منگلور»، این جنگ به پایان رسید. به دستور تیپوسلطان، جسد حیدرعلی را به سرنگ پتن آوردند و در «لال یاغ» (باغ قرمز) به خاک سپرده، بر آن مقبره زیبایی بناکرد.

حیدرعلی، بلندبالا و چاق، و بسیار شجاع و بااراده بود، و شخصیت بسیار والایی داشت. هرگاه با شکست مواجه می شد، همت را از دست نمی داد. اگر چه بیسواد بود، اما ادب شناس بود. گفته های زیادی از وی زیانزد عام و خاص می باشد. مثلاً:

«بهترین نشستگاه مردان زین اسب است.»، «صدای توپ و تفنگ از آواز آهنگ و سرور جالب تر است.»، «پیغمبر من اُمّی بود و من هم اُمّی هستم.»، «این از نمونه های بسیار کوچک قدرت خداوندی است که از طریق جاهلی مانند من چنان کارهای بزرگ را انجام داد که از هزاران عالم و دانشمند برنیامد.»

او در انجام امور کشورداری ورزیده بود و مهارت کامل داشت و همیشه به فکر آسایش مردم کشور خود بود. سخت گیر اما عادل بود. روایات و حکایات از عدل و انصاف او معروف است. برای اثبات بی تعصبی و میانه روی او همین بس که با وجود شیعه مذهب بودن، همواره احساسات هندوان را مورد احترام قرار می داد و آزادی کامل داشتند. آنان را در مقامات بلند کشوری منصوب می کرد و راجه هندو را همچنان بر تخت پادشاهی باقی گذاشت. او در هنر ساختمان سازی مهارت کاملی داشت.

حیدرعلی، احساس می کرد که بزرگترین ضعف مسلمانان، نفاق و عدم هماهنگی میان آنان است. بنابراین، همیشه تلاش می کرد تا با کشورهای مسلمان همسایه متحد شود. ولی متأسفانه، نظام حیدرآباد و محمدعلی والاجاه، هر دو تحت نفوذ و سیاست انگلیسیها بودند؛ با این وجود، چنان کشور بزرگ و پهناوری تأسیس کرد که هشتاد هزار

مایل مربع، مساحت آن بود و چندین والی و راجه به او باج می دادند.

منابع:

۱. نشان حیدری. حسین علی خان کرمانی، بمبئی ۱۳۰۷ هـ / ۱۸۹۰ م ترجمه

W.Niles ۲. جلد، لندن ۱۸۴۶-۱۸۴۲ م.

2. History of Wilks of mysore دو جلد. لندن ۱۸۴۶-۱۸۴۲ م

3. Bowring: Haider Ali and Tipu sultan دو جلد. میسور. ۱۹۳۰ م

4. Haidar Ali Sinha. N. K. کلکته ۱۹۴۹ م

۵. سوانح (سرگذشت) حیدر علی سلطان. مجر علی شهری، امرتسر ۱۹۲۰ م.

۶. سلطنت خداداد میسور. محمود بنگلوری، چاپ بنگلور.

۷. لیدن، محمود بنگلوری، چاپ دوم، مقاله حیدر خان بهادر از محب الحسن.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی